



کشتار زندانیان سیاسی سال ۱۳۶۷ جنایتی در ابعاد جنایات هیتلری ۳

شکست سیاسی امپریالیسم آمریکا،
بزرگ تر از شکست نظامی ست

تظاهرات ۵۰۰ هزار نفره در نیویورک علیه دولت آمریکا

سراسر دوران موجودیت نظام سرمایه داری، با قهر و کشتار، سرکوب و اسارت، جنگ و جنایات بی انتها عجین است. از فجایعی که در دوران اولیه شکل گیری سرمایه داری بر دهقانان فقیر و کارگران رفت، تا کشتار و نابودی دستجمعی بومیان بسیاری از مستعمرات، از سرکوب و کشتار بی رحمانه هزاران کارگر در قرن نوزدهم تا کشتار میلیون ها انسان در جنگ جهانی اول، از برپائی کوره های آدم سوزی فاشیست ها تا نابودی دهها میلیون انسان در حین جنگ جهانی دوم، از به خاک و خون کشیدن میلیون ها کارگر و زحمتکش از طریق کودتا ها و برافروختن جنگ های منطقه ای، تا دخالت نظامی مستقیم قدرت های امپریالیست، برای سرکوبی جنبش های انقلابی، در نیمه دوم قرن بیستم، تنها نمونه هائی از جنایات وحشتناکی ست که طبقه سرمایه دار در سراسر جهان به بار آورده است. در اینجا هنوز صحبت از استعمار وحشیانه کارگران، بیکاری، فقر و گرسنگی نیست. هنوز صحبت از میلیون ها انسانی که هر سال در نتیجه گرسنگی، قحطی و بیماری در سراسر جهان می میرند نیست. این ها نیز فجایعی ست که نظام سرمایه داری جهانی به بار آورده است.

به همان نسبت که نظام سرمایه داری به نظامی ارتجاعی تبدیل گردید و طبقه سرمایه دار به طبقه ای مرتجع تبدیل شد، بروحشی گری و جنایات این نظام افزوده شد. دوران امپریالیسم که دوران زوال و گندیدگی نظام سرمایه داری جهانی ست در طول یک قرن، چنان فجایع تاریخی به بار آورد که فجایع چند قرن گذشته در برابر آن ناچیز جلوه می کنند. فجایع و جنایاتی که امپریالیسم آمریکا در نیمه دوم قرن بیستم به بار آورد، بسی فراتر

روز یکشنبه ۲۹ اوت نیویورک شاهد یکی از بزرگ ترین تظاهرات ها علیه سیاست های دولت بوش بود. در این تظاهرات عظیم که به فراخوان سازمان ها و احزاب سیاسی، اتحادیه های کارگری، سازمان های زنان، گروههای حقوق بشر، کارگران صنایع فولاد، بیکاران، کمیته سربازان جنگ ویتنام و خانواده های سربازان کشته شده در عراق برگزار شد، بیش از ۵۰۰ هزار نفر شرکت کردند.

به گزارش خبرگزاری ها شدید ترین تدابیر امنیتی در تاریخ آمریکا در طی این تظاهرات اعمال شد. بیش از ۱۵ هزار پلیس و هزاران نیروی امنیتی با لباس شخصی کنترل تظاهرکنندگان را به عهده داشتند. در جریان این تظاهرات، بیش از ۴۰۰ تن توسط پلیس دستگیر شدند. این تظاهرات یک روز قبل از همایش حزب جمهوری خواه و در اعتراض به فقر و بیکاری وسیع و اعتراض به

سیاست های جنگ طلبانه دولت آمریکا برپا گردید. در حال حاضر و با افزایش فشار اقتصادی، بیکاری و فقر در آمریکا، ۳۵/۹ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می کنند. ۴۵ میلیون نفر در آمریکا فاقد هرگونه بیمه درمان اند. ساعات کارهفتگی افزایش و دستمزدها کاهش یافته است. همچنین تفاوت دستمزد زنان و مردان رو به افزایش است. از سوی دیگر کشتار و جنایات آمریکا در عراق، یکی دیگر از موارد اعتراض بود که در شعارها منعکس می گردید. شعارهای این تظاهرات عبارت بودند از: "نه به جنگ، بوش دروغ می گوید، به جای جنگ، کار ایجاد کنید، حق سقط جنین برای زنان، خروج از عراق و...". همچنین در طی تظاهرات گروهی با حمل ۱۰۰۰ کفن، اعزام سربازان آمریکایی به عراق را محکوم و خواهان بازگشت نیروهای آمریکایی شدند.

در این شماره

- ۶ اعدام یک دختر ۱۶ ساله
- ۶ خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان
- ۲ اخباری از ایران
- ۴ اخبار کارگری جهان

پاسخ به سؤالات ۸

اخباری از ایران

تجمع اعتراضی کارگران نساجی

سیصد تن از کارگران نساجی کردستان، در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت کاری و عدم امنیت و ضمانت شغلی خود، دست به اعتراض زدند و با تجمع در خانه کارگر، خواستار ضمانت شغلی و احقاق حقوق خود شدند.

اجتماع اعتراضی کارگران خراسان

نزدیک به صد نفر از کارگران و کارکنان شرکت قطعات آهنگری خراسان، روز پنجشنبه ۲۲ مرداد، در اعتراض به تعویق پرداخت ۴ ماه حقوق خود، در برابر استانداری دست به تجمع زدند. گفته می شود که کارفرمای این شرکت، وام هایی را که برای پرداخت بدهی خود به کارگران دریافت کرده است به کارگران نداده و صرف امور دیگری نموده است. هم اکنون پرسنل ۳۰۰ نفری این شرکت و اعضاء خانواده های آنان با معضلات اقتصادی و معیشتی متعددی دست به گریبان اند و در شرایط دشواری به سر می برند.

اعتصاب و تجمع کارگران راه آهن

کارگران ناحیه راه آهن لرستان- اندیمشک در اعتراض به تاخیر و نحوه پرداخت حق محرومیت و نیز عدم پرداخت "حق جنگی" از روز چهارشنبه ۲۱ مرداد دست به اعتصاب زدند. کارگران معترض ابتدا در برابر اداره کل راه آهن دست به تجمع زدند و سپس با اجتماع در برابر بانک ملی شعبه این اداره، خواستار مطالبات خود شدند.

اجتماع اعتراضی کارگران پتروشیمی

روز چهارشنبه ۲۱ مرداد، کارگران اخراجی پتروشیمی کرمانشاه با برپایی یک اجتماع اعتراضی در برابر استانداری، ضمن اعتراض شدید به اخراج خود، خواستار لغو این تصمیم و ضمانت شغلی خود شدند.

توده مردم در معادلات مرتجعین جانی ندارند، نمی دانستند که همین توده مردم، پیروزی آنها را به شکست تبدیل می کنند، از این رو با مقاومت فزاینده توده مردم عراق، بیش از پیش مرتجعین اسلام گرا را متحد خود یافتند و اکنون به نقطه ای رسیده اند که با توسل به مرتجعی از قماش سیستانی، برای علم کردن خمینی دیگری در عراق تلاش می کنند.

امپریالیسم آمریکا و متحدین داخلی اش، مدت ها تلاش می کردند که مقاومت مردم عراق را انکار کنند و ضرباتی را که بر آنها وارد می آید، به القاعده و گروه های اعزامی از مرزها نسبت دهند. اما اکنون که این مقاومت چنان آشکار شده است که نمی توانند بگویند مردم همه شهرها تروریست های اعزامی اند، برای مهار این مقاومت، اسلام گرایان را علم کرده اند. حتا برای بدنام کردن وبی اعتبار ساختن مبارزه مردم عراق در افکار عمومی جهان، به تروریستهای بنیادگرای اسلامی که با وحشی گری سر از تن جدا می کنند، خبرنگاران خارجی را می ربایند و به قتل می رسانند، میدان می دهند. این نیز بعید نیست که حتا دستگاه های اطلاعاتی امپریالیسم آمریکا در سازماندهی این گروه های جنایتکار دست داشته باشند.

هرچه باشد، مسئول تمام این فجایع، کشتار مردم، شکنجه های وحشیانه، تقویت اسلامگرایان، فقر و بدبختی و سیه روزی مردم عراق، امپریالیسم آمریکاست. این واقعیات اکنون چنان آشکار است که در لحظه کنونی، منفورتر از هیئت حاکمه آمریکا در میان تمام مردم کشورهای جهان یافت نمی شود. این را مردم سراسر جهان در تظاهرات ها و اعتراضات بی شمار خود نشان داده اند. وقتی که رئیس جمهوری آمریکا در دیدار با متحد اروپائی خود، انگلیس، جرأت نکرد، از وحشت تظاهرات عظیم مردم انگلیس، یک لحظه از کاخ سلطنتی خارج شود، وقتی که رئیس جمهور بزرگ ترین قدرت های جهان سرمایه داری جرأت نمی کند که در سرزمین فتح شده توسط ارتش اش در روزوشن قدم بگذارد و نیمه های شب

شکست سیاسی امپریالیسم آمریکا، بزرگ تر از شکست نظامی ست

از آن چیزی ست که مجموعه رقبای امپریالیست او به بار آوردند.

این امپریالیسم وحشی و درنده خو، هم اکنون در نخستین سال های قرن بیست و یکم، تنها در عراق در طول یک سال، آن گونه که رسماً اعلام شده است، متجاوز از دوازده هزار تن از مردم غیر نظامی را به قتل رسانده است و هزاران تن را معلول کرده است. هیچ جنایتکاری در طول تاریخ به این شیوه عمل نکرده است که کشوری را اشغال کند، همه چیز را به تصرف خود در آورد، اما با این همه، شب و روز مناطق مسکونی مردم را هم با پیشرفته ترین هواپیماها، هلی کوپتر ها و تانک ها بمباران کند.

وقتی که خبر و تصاویر شکنجه های وحشیانه هزاران تن از مردم عراق که در زندانهای ارتش آمریکا به بندکشیده شده اند به بیرون درز کرد، کسانی که ماهیت امپریالیسم را نمی شناسند، با تعجب و ناباوری به این جنایات و حشمتاک نگاه می کردند. در حالی که چنین جنایاتی در ذات امپریالیسم و تمام رژیم های ارتجاعی سرمایه داری ست. امپریالیسم آمریکا، جنایاتی وحشیانه تر از این در ویتنام داشت. شکنجه ها و کشتارهای انقلابیون جهان در دروان به اصطلاح جنگ سرد، در آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا هم تحت نظارت و آموزش مستشاران آمریکایی انجام گرفت.

هیئت حاکمه آمریکا، هنگامی در تدارک اشغال نظامی عراق بود، برای فریب توده های مردم ناآگاه آمریکا و سرپوش گذاردن بر مقاصد واقعی امپریالیستی و توسعه طلبانه خود، ادعای ایجاد دموکراسی بورژوائی در عراق و مبارزه با بنیادگرایی اسلامی و تروریسم را داشت. حالا دیگر حتا عقب مانده ترین بخش مردم آمریکا هم به عینه می بینند که به جای دموکراسی، وحشیانه ترین استبداد، اختناق و سرکوب نظامی قرار گرفته است. امپریالیسم آمریکا که پیش از آغاز جنگ، تمام دستگاه نظامی خود را برای تدوین بهترین نقشه پیروزی سریع در جنگ و اشغال عراق بسیج کرده بود، سرنگونی رژیم صدام را پایان ماجرای دانست. از آنجا که

اخباری از ایران**تحویل قراردادهای موقت**

مدیریت دانشگاه علوم پزشکی همدان، ۱۶۰۰ کارگر این دانشگاه را که حدود ۱۵ سال سابق کار دارند، تحت فشار گذاشته است تا سوابق خدمتی خود را نادیده بگیرند و از طریق شرکت های پیمانکاری طرف قرارداد این دانشگاه، اقدام به انعقاد قرارداد موقت نمایند. کارفرما تهدید کرده است چنان چه کارگران این قراردادها را امضا نکنند، آنها را اخراج خواهد کرد. به رغم این مسئله، کارگران از امضای قراردادهای موقت امتناع کرده و نسبت به فشارهای کارفرما و تضییق حقوق خود اعتراض دارند.

سرمایه داران**دستمزدهای کارگران را نمی پردازند**

۱۶۰۰ کارگر سد "سیمره" واقع در "دره شهر" در صد کیلومتری ایلام، بیش از ۵ ماه است که دستمزد نگرفته اند. کارفرما به بهانه عدم تامین نقدینگی، از پرداخت دستمزدها امتناع می ورزد. کارگران در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهای خود، چندین بار در برابر دفتر مدیریت دست به تجمع زده اند. در پی اعتراضات اخیر کارگران، به آنان قول داده شد بخشی از مطالبات شان پرداخت شود.

- بیش از ۱۷۰۰ کارگر شهرداری آبادان، متجاوز از دوماه است حقوق نگرفته اند. سازمان های عمران و نوسازی، فضای سبز و اتوبوس رانی، از جمله نهادهای زیر مجموعه شهرداری هستند که دستمزد کارگران خود را نپرداخته اند.

- بیش از سه ماه است دستمزد کارگران شرکت تولیدی فجر در ایلام پرداخت نشده است.

بدهی شهرداری به تامین اجتماعی و سرگردانی کارگران

سازمان تامین اجتماعی در کرمانشاه، به

**کشتار زندانیان سیاسی سال ۱۳۶۷
جنایتی در ابعاد جنایات هیتلری**

در تابستان سال ۱۳۶۷ یکی از وحشیانه ترین جنایات ضد بشری در ایران رخ داد. جمهوری اسلامی در طول تنها چند روز، از نیمه های مردادماه تا نیمه اول شهریور، هزاران تن از زندانیان سیاسی را که از موج اعدام های گروهی نیمه اول دهه شصت، جان سالم به در برده و چند سال از عمر خود را در زندان سپری کرده بودند، بار دیگر در یک بیدادگاه تفتیش عقاید چند دقیقه ای به مرگ محکوم کرد. آنها را در گروه های بزرگ به دار کشید و تیرباران کرد و در گورهای دستجمعی به خاک سپرد.

این جنایت فجیع و تکان دهنده، که ابعاد آن را تنها می توان با جنایات فاشیست های هیتلری مقایسه کرد، در شرایطی رخ داد که رژیم جمهوری اسلامی، در جنگی که دهها هزارتن از مردم ایران را به کشتن داد و صدها هزارتن را معلول نمود تا کربلا را فتح کند، با شکست روبرو شد و ناگزیر به پذیرش آتش بس شد.

خمینی، این سرکرده جنایتکاران حکومت اسلامی که شعار "جنگ، جنگ تا فتح کربلا"، را سر می داد چاره ای جز این نداشت که جام زهر شکست را سر بکشد، اما قبل از مرگش، انتقام این شکست را با کشتار دستجمعی زندانیان سیاسی، از مردم زحمتکش ایران گرفت.

رژیم جمهوری اسلامی که از خیزش دوباره توده مردم در پی این شکست، در ترس و هراس به سر می برد، برای این که هرگونه صدا و اعتراضی را پیشاپیش در نطفه خفه کند و در میان مردم رعب و وحشت ایجاد کند، کشتار زندانیان سیاسی را در دستور کار قرار داد، تا نشان دهد که با هر اعتراض و تلاشی برای برچیدن بساط حکومت اسلامی، حتا بی رحمانه تر و وحشیانه تر از نیمه اول دهه ۶۰ عمل خواهد کرد.

اما اکنون ۱۶ سال پس از این جنایت فجیع در حالی که توده های وسیع کارگر و زحمتکش با مبارزات علنی و رودر رو با رژیم، پی در پی ضربات مرگباری بر پیکر پوسیده جمهوری اسلامی وارد می آورند و روزی نمی گذرد که کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان و عموم توده های مردم به شکلی از اشکال مبارزه علیه رژیم روی نیاورند، بیش از هر زمان دیگر این حقیقت آشکار شده است که با وجود تمام، سرکوب، اختناق، کشتار، شکنجه و جنایات بی انتهای حکومت اسلامی، توده های مردم ایران استوار تر از همیشه به نبرد علیه ستمگران ادامه می دهند و در تلاش خود برای برانداختن رژیم جمهوری اسلامی و فرستادن آن به زباله دانی تاریخ، مصمم اند.

توده های زحمتکش مردم ایران، هیچگاه تلاش و قهرمانی انسانهایی را که به خاطر دفاع از عقاید خود، دفاع از آزادی و سوسیالیسم در برابر مرتجعین حاکم بر ایران ایستادند و جان باختند فراموش نخواهند کرد و همواره یاد آنها را زنده نگاه خواهند داشت.

گرامی باد یاد همه کسانی که به خاطر آزادی و سوسیالیسم جان باختند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - بر قرار باد حکومت شورایی**زنده باد سوسیالیسم****سازمان فدانیان (اقلیت)****شهریور ماه ۱۳۸۳****کار - نان - آزادی - حکومت شورایی****زنده باد سوسیالیسم**



آمریکا : اعتصاب کارگران خدمات شهری

- اواسط ماه اوت بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران خدمات شهری در ۳ شهرايالت کالیفرنیا دست به اعتصاب زدند. کارگران با این اعتصاب خواهان افزایش دستمزدها هستند. به رغم کار طاقت فرسا، دستمزد این کارگران تنها ۸ دلار در ساعت بوده و هیچ خبری هم از بیمه درمانی و مرخصی سالیانه نیست. این کارگران در طول ۸ ماه گذشته بدون قرارداد به کار مشغول بوده و مراجعات مکرر کارگران برای تجدید قراردادهای دسته جمعی هم با بی اعتنایی کارفرما مواجه شد. با آغاز این اعتصاب کارفرما در تلاش است تا با استخدام کارگران مهاجری که غیر قانونی وارد خاک آمریکا شده و به همین دلیل حاضرند در مقابل دستمزدی ناچیز ساعتها به کاری طاقت فرسا تن دهند، کارگران را وادار سازد تا کارها را از سر بگیرند.

- در گوشه دیگری از ایالت کالیفرنیا نیز بیش از ۶۰۰ نفر کارگر خدمات شهر Billings دست به اعتصاب زدند. این کارگران خواهان افزایش دستمزدهای خود به میزان ۹ درصد هستند. در مقابل، کارفرما پس از چند دور مذاکرات سرانجام اعلام نمود که دستمزدها تنها به میزان ۴ درصد افزایش خواهد یافت. نمایندگان کارگران این پیشنهاد را به فوریت رد کرده و کارگران دست از کار کشیدند. به رغم اعلام آمادگی کارگران برای از سر گرفتن مذاکرات، اما هنوز هیچ خبری از نمایندگان کارفرما نیست.

اعتصاب کارگران در هند

روز ۱۲ اوت بیش از ۱۷۵۰۰۰ کارگر خدمات شهری، نیروگاههای برق و حمل و نقل شهری در شهر بمبئی دست به یک اعتصاب ۳ روزه زدند. این اعتصاب در پی تلاش دولت برای کاهش هزینه های رفاهی کارگران انجام گرفت. این اعتصاب شهر بمبئی، مرکز مالی هند را به تعطیل کامل کشاند. هر چند قرار بود که این اعتصاب ۳ روز ادامه یابد، اما تنها یک روز پس از آغاز این اعتصاب، مقامات دولت اعلام نمودند که طرح خود مبنی بر کاهش هزینه های رفاهی کارگران را از دستور کار خارج ساخته و دستمزد کارگران به میزان سابق باقی می ماند. با اعلام این خبر، کارگران روز ۱۳ اوت کارهای خود را از سر گرفتند.

اعتصاب نفتگران در سریلانکا

اواسط ماه اوت تمامی کارگران شرکت دولتی نفت سریلانکا به مدت ۲ روز دست از کار کشیدند. دلیل این اعتصاب اعتراض به تلاشهای دولت برای واگذاری بخش وسیعی از صنایع دولتی نفت این کشور به شرکتهای خصوصی است. کمتر از یکسال از فروش بخشی از صنایع نفت سریلانکا به شرکتهای خارجی می گذرد و در این مدت نفتگران این کشور شاهد وخامت شرایط کار، کاهش دستمزدها و اخراج بخشی از هم زنجیران خود بودند. به همین دلیل زمانی که خبر فروش بخش دیگری از صنایع نفت اعلام شد، کارگران یکپارچه دست به این اعتصاب ۲ روزه زدند.

اعتصاب کارگران فولکس در مکزیک

نزدیک به ۱۰ هزار نفر کارگر یکی از کارخانه های خودروسازی فولکس در شهر Puebla روز ۱۸ اوت دست به اعتصاب نامحدود زدند. این اعتصاب در پی مخالفت کارفرما با خواست کارگران مبنی بر افزایش دستمزدها به میزان ۹٪ انجام گرفت. با آغاز این اعتصاب نمایندگان کارفرما از کارگران خواستند تا برای خاتمه دادن به این اعتصاب به پای میز مذاکره بیایند. این مذاکرات پس از ۳ روز پایان یافت و کارفرما با بخشی از خواست اعتصابیون موافقت نمود و دستمزد کارگران افزایش یافت. این اعتصاب پس از ۳ روز خاتمه یافت.

اعتصاب دهقانان بی زمین در بولیوی

اوایل ماه اوت مقامات دولت بولیوی یکی از رهبران اتحادیه دهقانان بی زمین را به اتهام ساختگی شرکت در قتل شهردار شهر Ayo Ayo دستگیر و روانه زندان نمود. دستگیری این رهبر دهقانان زحمتکش که در واقع به جرم سازماندهی اعتراضات دهقانان انجام گرفت، موجی از مخالفت و اعتراض را دامن زد. تنها چند روز پس از این دستگیری، موج اعتراضات وسیعی مناطق جنوبی این کشور را در بر گرفت. در ادامه این اعتراضات روز ۱۶ اوت هزاران نفر از نقاط مختلف بولیوی راه پیمانی اعتراضی را به سمت پایتخت این کشور آغاز نمودند. روز ۱۸ اوت دهقانان معترض ۳ چاه نفت و گاز متعلق به شرکتهای انگلیسی را اشغال کرده و خواهان تقسیم مجدد و عادلانه زمین میان دهقانان شدند.

اعتصاب کارگران در نیکاراگوئه

روز ۱۹ اوت هزاران کارگر خدمات بهداشتی در شهر ماناگوا دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. اعتصابیون با این حرکت خواستار افزایش دستمزدها و بهبود خدمات بهداشتی برای توده های مردم شدند.

آلمان

دوشنبه ۲۳ اوت همانند هفته های قبل بیش از ۷۰ هزار نفر در شهرهای مختلف آلمان علیه برنامه ضد اجتماعی هارتز-۴ دست به اعتراض زدند. بزرگ ترین مراسم در شهرهای لایپزیگ، برلین و مگدبورگ برگزار شد. برگزار کنندگان این مراسم در حال مذاکره برای رسیدن به یک ائتلاف سراسری هستند. ائتلاف نظراتی بر سر اهداف تظاهرات در بین گروههای برگزار کننده وجود دارد. جمعی صرفا خواهان کنارگذاشتن هارتز-۴ هستند و گروههایی کل برنامه رفرم ضد اجتماعی- کارگری دولت ائتلافی سوسیال دمکرات- سبزه های آلمان معروف به منشور ۲۰۱۰ را زیر سؤال می برند. رسانه های سرمایه داری کماکان به تبلیغ علیه تظاهرات دوشنبه ادامه می دهند و آرزوی انشعاب در صفوف آن را دارند. این در حالی ست که نمایندگان و سخنگویان مستقیم سرمایه مدام به فشارهای خود علیه زحمتکشان می افزایند. آقای پتر هارتز که آش شور هارتز-۴ از دست پخت های ایشان است برای ۱۷۷۰۰۰ کارگر کارخانه فولکس واگن نیز برنامه دارد. او که رئیس این مجتمع عظیم اتومبیل سازی ست خواهان کاهش هزینه تولید به میزان ۳۰ درصد در ۶ ماه آینده است.

کارخانه های زیمنس و دایملر کرایسلر نیز چنین برنامه هائی را در پیش گرفتند. مفهوم عملی این برنامه البته چیزی نیست جز انجماد دستمزدها، اخراج کارگران و اضافه کاری بدون دستمزد. اتحادیه فلزکاران خواهان افزایش دستمزدها به میزان ۴ درصد و تضمین عدم اخراج کارگران شد. این اتحادیه مدعی ست که توافقات با دوکارخانه قبلی را نباید به فولکس واگن تعمیم داد. هفته های آتی نشان خواهد داد تا چه حد رهبران این اتحادیه به گفتارهایشان وفادار خواهند ماند!

تظاهرات دوشنبه ها تا همین جا فشارهائی را به دولت حاکم وارد کرده است. آنها در نشست اخیرشان مطرح کردند که کلمه هارتز-۴ به حساسیت ها در مردم دامن می زند و بهتر است به جای آن از کلمات رفرم بازار کار استفاده کرد!

اخباری از ایران

دلیل بدهکاری شهرداری ها به این سازمان، به خواست کارگران شهرداری در مورد برقراری سنوات و مقرری سال های گذشته، رسیدگی نمی کند. با وجود آن که شهرداری تعهد کرده است بخشی از بدهی خود را پرداخت کند، اما سازمان تامین اجتماعی کماکان از پرداخت مطالبات معوقه و برقراری مستمری سال های گذشته کارگران امتناع می ورزد.

اعتراض مردم گناوه

در اعتراض به تصمیم مقامات و مسئولین شهر مبنی بر انتقال بیمارستان گناوه به برازجان، شمار زیادی از مردم گناوه در برابر فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند. این تجمع اعتراضی، در ادامه ی خود به درگیری کشیده شد که تعدادی نیز مجروح شدند. خبرنگار "بازتاب" در این زمینه می نویسد، معترضین با ورود به فرمانداری گناوه، این محل را به آتش کشیدند. در عین حال شمار دیگری از اعتراض کنندگان، ساختمان شهرداری را نیز مورد حمله قرار دادند. همین خبرگزاری می افزاید، انبار گمرک گناوه نیز مورد حمله قرار گرفته و به آتش کشیده شده است. سرانجام با دخالت نیروهای انتظامی و سرکوب، ناآرامی که سطح شهر را فراگرفته بود و چند ساعت ادامه داشت پایان یافت و مسئولین شهر نیز موضوع انتقال بیمارستان گناوه به برازجان را منتفی اعلام کردند.

مرگ کارگران درحین کار

- روز شنبه ۱۷ مرداد ماه، در اثر انفجار معدن زغال سنگ نور واقع در مازندران، ۷ تن از کارگران معدن، جان خود را از دست داده و شمار دیگری نیز به سختی مجروح و مصدوم شدند.
- روز سوم شهریور ماه نیز کارگر دیگری به نام احمد احمدیان که در معدن سنگ "شارسین" واقع در منطقه "منگوری"، پیرانشهر مشغول به کار بود، در اثر ریزش معدن جان خود را از دست داد.
- یک کارگر رادیاتور سازی در شهر بوشهر، روز یکشنبه ۱۸ مرداد ماه هنگام کار در داخل کارگاه، بر اثر برق گرفتگی جان خود را از دست داد. این کارگر مصطفی نام داشت و اهل شهرکرد بود.

اخراج ها و بیکارسازی ها ادامه دارد

کارفرمایان و سرمایه داران چندین سال است که به بهانه های مختلفی کارگاه ها و کارخانه ها را تعطیل و کارگران را اخراج و بیکار می سازند. اخبار زیر حاکی از آن است که این روند همچنان ادامه دارد و هرماه هزاران کارگر یا بلا تکلیف و سرگردان می شوند و در معرض اخراج قرار می گیرند و یا به کلی کار خود را از دست می دهند و به صف طولانی و مترکم بیکاران می پیوندند.

- از تاریخ ۱ / ۴ / ۸۳، مدیریت کارخانه "لوله اسپیدال" بندرعباس، به بهانه کمبود نقدینگی، هزینه ی زیاد آب و برق و حمل و نقل، این کارخانه را رسماً تعطیل اعلام نمود. این اقدام مدیریت بلا تکلیفی و سرگردانی کارگران را به دنبال داشت.

- ۳۵۰ کارگر نساجی کشمیران، علی رغم آن که همه روزه در سر کار حاضر می شوند، اما مدیران، شرکت را به ایران خود رو واگذار نموده، وسائل تولید را به حراج گذاشته اند و آشکارا آینده شغلی کارگران را به خطر افکنده اند. این کارگران، در استانه اخراج و بیکاری قرار گرفته اند.

- بیش از یک سال پس از تعطیلی کارخانه های هرمز، نوشابه سازی آرسو و حصیر بافی در هرمزگان، حدود ۳۰۰ کارگر این واحد کماکان در حال بلا تکلیفی و سرگردانی اند.

- یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع گفت، کارخانه فولاد میبد با چند صد کارگر، به دلیل نداشتن "کک" و ضعف مدیریت تعطیل شده است. وی اضافه کرد که کارخانه قند میبد نیز مدتی است که تعطیل شده است.

- شرکت "پرسیه لوژان" واقع در استان گیلان ۷ تن از کارگران دائمی این شرکت را اخراج کرد. کارگران اخراجی ضمن اعتراض به این اقدام، هشدار داده اند چنان چه کارفرما آنها را به سر کارهای خود بازنگرداند، همراه اعضای خانواده خود در برابر اداره کل صنایع استان گیلان، دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

- به دنبال اعلام ورشکستگی از جانب مدیر عامل کارخانه صنایع مفتولی "ایلپا غرب"، این کارخانه تعطیل و ۲۰ تن از کارگران بیکار شدند.

- کارفرمای واحد بافندگی سنندج، با پرداخت مبلغ ۷۰ هزار تومان به عنوان حقوق نیمه اول مردادماه به ۱۶۶ تن از کارگران این کارخانه، از آنان خواست به مرخصی تابستانی بروند و به سر کار باز نگردند. کارگران نسبت به این تصمیم و مرخصی اجباری اعتراض دارند و آن را مقدمه اخراج خود می دانند.
- به دنبال پلمپ قسمتی از کارخانه آزمایش که در زمینه لعاب، رنگ و شستشو فعالیت می کرد، حدود ۲۳۰ کارگر این کارخانه اخراج و از کار بیکار شدند. این کارگران، تحت نظارت دو شرکت پیمانکار به نام "آوای دریای آرام" و "امید سبزداران" فعالیت می کردند که پس از تعطیلات و هنگام مراجعه به کارخانه، با درهای پلمپ شده روبرو شدند.

- کارخانه تولید نخ شهرستان خمین تعطیل و بیش از ۵۰۰ کارگر آن بیکار شدند. کارفرما به بهانه بدهی شرکت و عدم فروش محصولات، این واحد را در ۲۲ مرداد تعطیل نمود.

- کارخانه "آرام جنوب" در آبادان توسط کارفرمای این کارخانه تعطیل و ۶۰ کارگر آن که در شکل قراردادهای موقت مشغول به کار بودند، بیکار شدند.

چند خبر کوتاه

- ایلنا اعلام کرد بیش از ۷۰ درصد کارگران بخش های مختلف صنعت و خدمات در سراسر ایران به صورت قراردادهای موقت کار می کنند.

- "شرکت کار و تامین" که یک شرکت پیمانکاری طرف قرارداد بیمارستان امیر کبیر اهواز است، بیش از ۶ ماه است که حقوق و بیمه ی کارکنان این بیمارستان را نپرداخته است. لازم به ذکر است که این شرکت که بزرگترین پیمانکار سازمان تامین اجتماعی است، پس از انعقاد قرارداد، امور بیمارستان امیر کبیر اهواز را به پیمانکار دیگری (پیمانکار دست دوم) واگذار نموده است.

- شنبه ۲۴ مرداد، ۶ تن از اعضای کانون صنفی معلمان استان مازندران توسط نیروهای اطلاعاتی-امنیتی رژیم دستگیر و روانه بازداشتگاههای سازمان اطلاعات در ساری شدند.

- روز سه شنبه ۲۷ مرداد، جمع زیادی از معلمان حق التدریسی برای چندمین بار دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر مجلس، خواستار روشن شدن وضعیت استخدامی و رسیدگی به خواست های خود شدند.

شکست سیاسی امپریالیسم آمریکا، بزرگ تو از شکست نظامی ست

به دیدار فرماندهان نظامی اش می آید و در همان تاریکی در می رود، وقتی که به هر جا پای می گذارد تظاهرات صدها هزار و میلیونی مردم نفرت نثارش می کند، وقتی که وزیر خارجه امپریالیسم قلدر آمریکا در برابر تظاهرات وسیع کارگران و زحمتکشان یونانی مجبور می شود، شرکانش را در مراسم اختتامیه المپیک لغو کند و وقتی که نیم میلیون تن از مردم آمریکا، تنها در نیویورک بیزاری خود را از هیئت حاکمه مرتجع آمریکا با تظاهرات، ابراز می دارند، همگی دلالت بر یک شکست سیاسی بزرگ امپریالیسم آمریکا دارند.

امپریالیسم آمریکا بر سر مسئله اشغال عراق، تنها با بن بست و شکست نظامی روبرو نشده است، بلکه از آن مهم تر، شکست سیاسی آمریکاست که قطعا ابعاد و نتایج جهانی خواهد داشت. شکست نظامی را می شود جبران کرد، اما شکست سیاسی به سادگی جبران نشدنی نیست. این شکست سیاسی به نفع توده های کارگر و ستم دیده است و سر آغاز تغییراتی در اوضاع بین المللی و تحول سیاسی اوضاع جهان خواهد بود.

خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان

در اعتراض به محاکمه فعالین جنبش کارگری در سقز، اطلاعیه ای با همین عنوان در تاریخ ۲۷ مرداد منتشر شد. در این اطلاعیه به محاکمه تعدادی از فعالین جنبش کارگری که در مراسم اول ماه مه سقز شرکت کرده بودند و به بیدادگاههای فرمایشی رژیم فراخوانده شده اند، اعتراض شده است. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: "جمهوری اسلامی که در طول تمام دوران موجودیت نفرت بارش در ایران، هزاران کارگر و فعال جنبش کارگری را به جرم دفاع از منافع طبقاتی خود به بند کشیده، صدها کارگر را به جوخه اعدام سپرده و اعتراضات کارگری را با گلوله و کشتار پاسخ داده است، اکنون نیز در حالی که به رغم تمام این سرکوب و فشار، کارگران در سراسر ایران به رو در روی آشکار با رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی و نظم ستمگرانه سرمایه داری حاکم بر ایران برخاسته اند، در تلاش است با توسل به تمام ابزارهای سرکوب خود، اقدامات مستقل کارگری را سرکوب و فعالین و پیشروان جنبش کارگری را محاکمه و به بند بکشد. در پایان اطلاعیه، سازمان ما ضمن محکوم نمودن محاکمه کارگران و فعالین جنبش کارگری سقز، از کارگران ایران و جریانات کمونیست و چپ دعوت شده تا متحداً به برپائی این دادگاه فرمایشی اعتراض کنند.

اعدام یک دختر ۱۶ ساله

در نیمه دوم مردادماه، عاطفه رجبی دختر ۱۶ ساله از نکا- مازندران به اتهام داشتن رابطه جنسی درملاء عام اعدام شد. وی برفراز یک جرتقیل قرار گرفت، قاضی دادگاهی که وی را به اعدام محکوم کرده بود، شخصا طناب دار را بر گردن وی انداخت. عاطفه ۴۵ دقیقه در ملاء عام بالای دار بود.

این یکی دیگر از بی شمار جنایاتی است که جمهوری اسلامی طی بیش از ۲۵ سال گذشته مرتکب شده است. مرتجعین و قیحانه مردم را برای مشاهده این جنایت در ملاء عام فراخواندند تا جو رعب و هراس را گسترش دهند و بدین طریق درس عبرتی به آنان دهند. برخی نشریات و متخصصین حقوقی بر دوجنبه سن و وضعیت روحی و روانی عاطفه تاکید نمودند و باچانه زنی برسر سن وی و آنکه ۱۶ ساله بوده یا ۲۲ ساله و این که وی دچار اختلال روحی بوده یا نه، صورت مسئله را کم رنگ نمودند اما نه سن و نه وضعیت روانی وی هیچیک به جنایت وحشیانه ای که اعمال شد، ارتباطی ندارد.

موضوع بسیار ساده است، قوانین ارتجاعی و واپسگرایانه اسلامی، دختری را چه ۱۶ ساله چه ۲۲ ساله، چه با اختلالات روانی و چه بدون آن اعدام کرده است. این جنایت، این زن ستیزی آشکار محکوم است. کلیه این قوانین ارتجاعی باید ملغاً گردند و با جدائی کامل دین از دولت، ریشه این توحش و جنایات کنده شود.



جمهوری اسلامی را باید با اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه سرنگون کرد

مردم مبارز ایران!

ادامه حیات جمهوری اسلامی نتیجه ای جز تشدید فقر، بدبختی، اختناق و بی حقوقی نداشته و ندارد.

برای رهایی از شر تمام مصائب و فجایعی که این رژیم به بار آورده است، راه دیگری جز سرنگونی آن وجود ندارد.

تجربه انقلاب علیه رژیم شاه نشان داد که سرنگونی حکومت از طریق برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه امکان پذیر است.

برای برپائی اعتصاب عمومی سیاسی، کمیته های کارخانه و کمیته های اعتصاب را در هر کارخانه و موسسه ایجاد کنید.

سازمان فدائیان (اقلیت)

کار- نان- آزادی - حکومت شورائی

کار

ارگان سازمان

فدائیان (اقلیت)

را بخوانید

پاسخ به سئوالات

کند.

به قول لنین "عبارت درهم شکستن ماشین بوروکراتیک و نظامی دولتی، بیان خلاصه ای ست از درس عمده مارکسیسم در مورد وظائف پرولتاریا در انقلاب نسبت به دولت." (دولت و انقلاب) درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی، در این نیست که طی فرمانی انحلال ارتش و بوروکراسی اعلام شود، بلکه به این معناست که به جای نیروی مسلحی که مجزا از مردم است و رودروی آنها قرار گرفته است و در خدمت طبقات ستمگر و استثمارگر قرار دارد، نیروی مسلحی از خود توده های کارگر و زحمتکش قرار گیرد.

مارکس، در جمع بندی از تجربه حکومت کارگری کمون پاریس که برای نخستین بار در تاریخ جنبش کارگری، ماشین دولتی را درهم می شکند می نویسد: "اولین تصویب نامه کمون حذف ارتش دائمی و جانشینی آن توسط ارتشی مرکب از خلق مسلح بود." یعنی نه فقط ارتش دائمی را ملغای می سازد، بلکه خلق مسلح را جایگزین آن می سازد.

کمون پاریس، نظام بوروکراتیک مبتنی بر سلسله مراتب را که مافوق مردم قرار گرفته بود و کارکنان این دستگاه از موقعیتی ممتاز برخوردار بودند، برچید. کارگران و مردم زحمتکش، اداره امور خود را برعهده گرفتند. مقامات کمون نه فقط منتخب توده مردم بلکه جوابگو و در هر لحظه قابل عزل بودند. "کارمندان تمام شاخه های اداری نیز از اعضاء کمون تا پائین، حقوق آنها مساوی دستمزد کارگران شد." انقلاب کارگری در روسیه نیز برای درهم شکستن ماشین دولتی، همان وظایفی را در دستور کار قرار داد که کمون پاریس.

بنابراین اولاً پرواضح است که مسئله درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی مسئله ای ست مربوط به طبقه کارگر و وظایف طبقه کارگر در انقلاب. حتا هنگامی که مارکس، از درهم شکستن ماشین دولتی توسط هر انقلاب خلقی سخن می گوید، همان گونه که لنین به تفصیل این مسئله را مورد بحث قرار داده است، حکومت کارگری و هژمونی طبقه کارگر مفروض است. تنها در اینجا مسئله اتحاد کارگران با دهقانان مطرح است. والا بدون طبقه کارگر مطلقاً نمی توان از درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی

سخنی به میان آورد. ثانیاً- مسئله مربوط به درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی نه صرفاً فرمان الغاء ارتش دائمی و بوروکراسی از جانب حکومت کارگری ست و نه هرگونه انحلال ارتش و یا دستگاه های اداری، بلکه مسئله مهم جایگزینی آنها با خود مردم مسلح و ارگانهای اداره امور توسط توده های کارگر و زحمتکش، نظیر شوراهاست. اگر جز این می بود و هرگونه انحلالی، درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی معنا می داد، در آن صورت می بایستی برچیده شدن دستگاه دولت فاشیستی هیتلر راهم درهم شکستن ماشین دولتی نامید و یا در همین عراق، پیروزی ارتش آمریکا بر ارتش رژیم صدام و انحلال آن را هم به همین شکل درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی نام نهاد. درحالی که در چنین موارد یا مواردی که حتا نمونه های آن را می توان گاه در تضادها و درگیری های جناح های رقیب بورژوازی دید، یا مسئله بازسازی دستگاه دولتی به نحوی که منافع طرف پیروز در جنگ و جناح های رقیب بورژوازی را تامین کنند در میان است و یا شکل جدید دادن به دولت و کامل تر کردن آن. این موارد هیچ ربطی به درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی ندارد.

با این توضیحات باید روشن شده باشد که درهم شکستن ماشین دولتی یعنی چه؟ نکته دیگری هم که در اینجا باید اضافه کرد، این است که درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی، توده های مردم را از شر هزینه های یک دستگاه انگل که تنها نیروی مسلح اش در کشوری نظیر ایران هر ساله معادل میلیاردها دلار از حاصل دسترنج مردم زحمتکش را می بلعد، خلاص می کند. چرا که دیگر نیازی به نیروی مسلحی که نه تنها هیچ کار مولدی انجام نمی دهد، بلکه در هر ماه و سال میلیاردها دلار صرف حقوق و خرید سلاح های مخربش می شود، تا مردم را سرکوب و از نظم موجود و طبقه ستمگر حمایت کند، نیست. جوانان نیز دیگر نمی باید دو سال از بهترین سال های زندگی شان را عاطل و بیاطل در گوشه پادگان ها بگذرانند، چرا که دیگر نیازی به خدمت اجباری نیست و سرباز گیری اجباری ملغای شده است.

عموم توده های مردم زحمتکش در حالی که مسلح اند، کار مولد و سودمند اجتماعی خود را انجام می دهند و هر لحظه آماده دفاع از خود و منافع شان نیز هستند. این قدرت مسلح توده ای قادر است هر متجاوزی را حتا با پیشرفته ترین سلاح هایش درهم بکوبد. نمونه هایی از این دست کم نیستند. هنگامی

که انقلاب کارگری در روسیه رخ داد، تمام قدرت های امپریالیست جهان متحداً برای درهم شکستن این انقلاب اقدام نمودند، اما طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم روسیه، با قدرت تمام، تجاوز نظامی آنها را درهم کوبیدند. نمونه دیگر آن ویتنام بود. توده های زحمتکش مردمی که به انقلاب برخاسته و بر سرنوش خود حاکم شده اند، قطعاً برجسته ترین نوابغ نظامی را نیز در درون خود شان پرورش می دهند. تاریخ هم به قدر کافی از این نمونه ها سراغ دارد. ناپلئون را انقلاب کبیر فرانسه پرورش داد. مائوتسه دون و جیاب، برخاسته از درون توده های زحمتکش و انقلابات توده ای چین و ویتنام بودند.

بنابراین توده های کارگری که به انقلاب روی می آورند، بر سرنوش خویش حاکم می شوند و در راه سوسیالیسم گام برمی دارند، آن قدر نوابغ نظامی خواهند داشت که نظامیان ارتش های بورژوا با تمام تجربه و تخصص شان در برابر آنها ناچیز و حقیر خواهند بود.

نکته دیگری که از سئوالات باقی مانده است، در مورد کارمندان دستگاه دولتی موجود است. گروه کثیری از این کارمندان زانندند. وقتی که توده های مردم، خود اداره امور خودشان را در دست می گیرند و از شر دستگاه مبتنی بر سلسله مراتب بوروکراتیک خلاص می شوند و کارهایشان را به سادگی از پیش می برند، روشن است که دیگر نیازی به ارتشی از کارمندان اداری نخواهد بود. اما این به آن معنا نیست که به یک باره همه مستخدمین دولتی محو می شوند. به قول لنین "در باره این که مستخدمین دولتی دفعتاً همه جا و تماماً از بین بروند، کوچک ترین سخنی نمی تواند در میان باشد. حتا تصورش خیالیست. ولی خورد کردن ماشین کهنه اداری و آغاز فوری ساختمان ماشین نوینی که امکان دهد به تدریج تعداد مستخدمین به صفر برسد، خیالی نیست" (دولت و انقلاب). تامدت ها، آنهایی که کار مفید اجتماعی خاصی را انجام می دهند و یا از تخصص های ویژه ای برخوردارند، باقی می مانند اما باضوابط و تحت کنترل حکومت کارگری. آنها دیگر از امتیازات ویژه ای برخوردار نخواهند بود و همانند کارگران به کار مشغول می شوند.

کمک مالی

هامبورگ مازیار ۶۰ یورو



پاسخ به سؤالات

س- درهم شکستن ماشین دولتی دقیقا به چه معناست؟ آیا هرگونه انحلال ارتش و پلیس و برکناری مقامات سیاسی و کارمندان عالی رتبه دولتی و حتا انحلال وزارتخانه ها را می توان درهم شکستن دستگاه دولتی دانست؟

وقتی که صحبت از درهم شکستن دستگاه دولتی می شود، تکلیف کارمندان اداری چه می شود؟ آیا دیگر نیازی به آنها نیست؟ با توجه به تخصص بالای افسران و نظامیان حرفه ای، چگونه شوراهای سربازان و نظامیان پائین رتبه و مردم مسلح می توانند، از پس وظائف آنها برآیند؟

ج- در پاسخ به سؤالات پیشین توضیح داده شد که طبقه کارگر اساسا خواهان برافتادن پدیده ای به نام دولت است که عمری به قدمت جامعه طبقاتی دارد. اما پرولتاریا نمی تواند به فوریت و یک شبه دولت را نابود و آن را ملغا سازد. همان گونه که نمی تواند به فوریت، یک جامعه کمونیستی کامل را برپا نماید که بر پرچم آن نوشته شده است: "از هرکس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه نیازش." بلکه همانگونه که مارکس در نقد برنامه کوتا می گوید:

"بین جامعه سرمایه داری و کمونیستی، یک دوران دگرگرونی انقلابی اولی به دومی وجود دارد. در انطباق با این دوران، یک دوران انتقال نیز وجود خواهد داشت که در آن، دولت نمی تواند چیز دیگری جز دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا باشد."

"آنچه که ما در این جا با آن سرو کار داریم، یک جامعه کمونیستی است، نه به آن گونه که بر بنیان های خویش تکامل یافته است، بلکه بالعکس به آن گونه که از درون جامعه سرمایه داری سر بر می آورد، که ناگزیر، از هر حیث، اقتصادی، اخلاقی و معنوی، هنوز علائم مادرزادی جامعه کهنه ای را که از بطن آن زاده شده است، با خود حمل می کند." اما، دولتی که در این دوران گذار انقلابی از جامعه سرمایه داری به جامعه

کمونیستی کامل، هنوز وجودش ضروریست، چگونه دولتی باید باشد و تفاوتش با دولت موجود بورژوازی چیست؟

پاسخ این است که این دولتی ست زوال یابنده که همراه با تکامل جامعه کمونیستی، کارکردهای سیاسی خود را از دست می دهد و دخالت آن "در شئون مختلف مناسبات اجتماعی یکی پس از دیگری زائد" می گردد و محو می شود. بنابراین چنین دولتی با چنین مختصاتی دیگر دولت به معنای اخص کلمه، دولت به معنای معمول و مرسوم که از دوران پیدایش جامعه طبقاتی شکل گرفته و کامل ترین و تیبیک ترین شکل خود را در جامعه سرمایه داری یافته است، نیست.

به عبارت دیگر در حالی که دولت هنوز به عنوان ارگان سیادت طبقاتی، به عنوان "سازمان قوه قهریه برای سرکوب طبقه معین" وجود دارد، اما ساختار و مشخصات دولت را که با نیروی مسلح جدا از مردم و روبرو می آنها و بورکراسی ممتاز و مافوق تعیین می یابد، فاقد است. از همین رو دیگر دولت به معنای اخص کلمه نیست و پدیده ای زوال یابنده است.

لذا اساسا در جایی می توان از دولت زوال یابنده یا نیمه دولت سخن به میان آورد که مسئله قدرت سیاسی طبقه کارگر مطرح است. یعنی همان گونه که مارکس می گوید، دولت دوران گذار انقلابی نمی تواند چیز دیگری جز دیکتاتوری پرولتاریا باشد.

تا اینجا روشن است که دولت زوال یابنده ارگان سیادت سیاسی طبقه کارگر است و از آن رو زوال یابنده است و از دولت طبقات ستمگر و استثمارگر متمایز است که دیگر بنیادش بر نیروهای مسلح حرفه ای جدا از مردم و بورکراسی ممتاز قرار ندارد.

نتیجه گیری منطقی این است که طبقه کارگر برای این که بتواند دولتی منطبق با وظایف دوران گذار داشته باشد و این دولت تدریجا محو شود، باید ارتش دائمی و تمام ملحقات آن را همراه با دستگاه بوروکراتیک که بنیان دولت بورژوازی بر آنها قرار گرفته است، درهم بشکند. یعنی دستگاه دولت بورژوایی را نابود

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K. A. R آلمان
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

I. S. F دانمارک
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M. A. M سوئد
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

Sepehry سوئیس
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A. A. A فرانسه
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris France

K.Z کانادا
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فدائیان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱ (اقلیت)

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:
info@fedaian-minority.org

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):
۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)
No. 436 september 2004

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی